

واکاوی جایگاه جمعیت در اسلام و نگاهی به جایگاه آن در نظام اسلامی

fooladi@iki.ac.ir

محمد فولادی / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۲

چکیده

جمعیت از جمله مؤلفه‌های اصلی توسعه و پیشرفت هر کشوری است که باید همه سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌ریزی‌ها بر اساس آن صورت گیرد. از این رو، شناخت اندازه جمعیت، رشد، ساختار سنی و جنسی و رسیدن به یک جمعیت متناسب امری اجتناب‌ناپذیر است. از این رو، ارائه تحلیلی از جایگاه جمعیت در اسلام و نظام اسلامی، و اتخاذ رویکرد مناسب در این عرصه در کشور امری ضروری است. این پژوهش با رویکرد نظری و تحلیلی، درصدد واکاوی جایگاه جمعیت در اسلام و نظام اسلامی است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است آیات و روایات در مقوله جمعیت را می‌توان در چند مقوله دسته‌بندی کرد: توصیه به ازدواج و فرزندآوری، تشویق به ازدواج با زنان ولود، تضمین رزق و روزی افراد، توییح فرزندکشی، تشویق به افزایش نسل مسلمانان. از آنجایی که در منابع دینی به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر محبوبیت فرزندآوری و تکثیر نسل تأکید و به آن توصیه شده، اصل اولی و به‌عنوان یک قاعده کلی در متون دینی، فزونی جمعیت است. از این رو، اسلام و همه ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته در حد توان توصیه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: جمعیت، جمعیت در اسلام، ازدواج، فرزندآوری، تضمین رزق، توییح فرزندکشی.

همواره بحث از جمعیت، پویایی و ابعاد آن، میزان رشد، ساختار سنی، باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت، ازدیاد و یا کاهش و کنترل آن و نیز تنظیم، مدیریت و مهندسی زادوولد در خانواده و... در طول تاریخ در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و... از جمله مباحث جذاب و چالش‌انگیز بوده است. حداقل قدمت این بحث را می‌توان به بیش از دوهزار و سیصد سال قبل یعنی به زمان *افلاطون* برگرداند. آنجا که وی در کتاب *جمهور* خود این بحث را این‌گونه مطرح کرده است که وقتی یک گروه نخبه حاکم بخواهد جامعه را هدایت کند، باید به مقوله جمعیت توجه نماید:

... هدف آنها حفظ تعداد میانگین جمعیت باشد... موارد بسیار دیگری نیز وجود دارد که باید مدنظر قرار گیرد. مواردی نظیر اثرات جنگ‌ها و بیماری‌ها و موارد مشابه که دولت می‌تواند با کمک آنها تا حد امکان از بزرگ یا کوچک شدن بیش از اندازه جمعیت جلوگیری کند (ر.ک: افلاطون، ۱۳۶۷).

اصولاً، موضوع جمعیت و مباحث پیرامون آن، به‌عنوان موضوعی راهبردی و استراتژیک، راز موفقیت حکومت‌ها، حاکمان، و سیاستمداران می‌باشد؛ چراکه بدون اطلاع دقیق آنان از جمعیت قلمرو حکمرانی خود، موفقیت برای آنان بی‌معناست. در کشور ما، بحث کنترل جمعیت از طریق «تنظیم خانواده»، به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی به‌عنوان یک سیاست راهبردی مطرح و اجرا گردید. موضوعی که با اجرای دقیق و بی‌کم و کاست آن، و غفلت مسئولان در ادامه، امروز جامعه ما را با چالش‌های بسیاری مواجه ساخته است. چالش‌های جمعیتی در قالب محورهایی نظیر کاهش شدید باروری، کاهش نسبی جمعیت، تغییر سبک زندگی، ... تعبیر ساختار سنی جمعیت و پیامدهای آن و آینده باروری در ایران مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (صادقی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶).

به نظر می‌رسد، این چالش‌ها در هر جامعه‌ای ممکن است رخ نماید، اما با عنایت به وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی و اقلیمی سرزمین پهناور ایران اسلامی و تنوع فصلی، و... این چالش‌ها ناشی از بی‌تدبیری و یا ناتوانی در بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های داخلی کشور است؛ چراکه وضعیت و مشکلات موجود، با جمعیت کمتر از ۵۰ میلیون نیز وجود می‌داشت.

پیش از هر چیز، نگاهی به جایگاه جمعیت در اسلام ضروری است؛ چراکه نظام سیاسی حاکم بر ایران، اسلامی است، بایسته است وضعیت‌شناسی جمعیت را از نظر تئوریک در اسلام رصد کنیم. سپس با عنایت به اینکه جمعیت کشور از نظر باروری، در سراثشیبی کاهش قرار دارد، به بررسی پیامدهای کاهش جمعیت و چالش‌های پیش رو در نظام اسلامی بپردازیم. به هر حال، واقعیت موجود جامعه ما این است که ما با کاهش شدید باروری و جمعیت مواجه هستیم و در صورت ادامه وضعیت موجود، با سالمندی و پیری جمعیت در آینده نزدیک مواجه خواهیم شد. این موضوع با توجه به آثار و پیامدهای فراوان فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی گسترده آن، از جمله موضوعاتی است که باید به جد مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

بنابراین، برای واکاوی آسیب‌ها و پیامدهای جمعیت و قضاوت درست و دقیق در این زمینه، بایسته است به جایگاه جمعیت در اسلام و واری دیدگاه اسلام در عرصه جمعیت بپردازیم. از آنجایی که نتیجه سیاست تنظیم خانواده در ایران اسلامی، کاهش شدید باروری و جمعیت بوده است، در ادامه، پیامدهای کاهش جمعیت را برسنجی خواهیم کرد.

جمعیت در اسلام

در منابع اسلامی بیانات متعدد و گوناگونی وجود دارد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر محبوبیت فرزندآوری و تکثیر نسل تأکید کرده و به آن توصیه می‌کنند، به گونه‌ای که فقها با توجه به این روایات، اصل اولی در مسئله را استحباب دانسته‌اند (خرازی، ۱۳۷۹). اما نحوه عمل به این اصل در شرایط زمانی و مکانی مختلف، معرکه آراء اندیشمندان اسلامی گشته و هر یک بر اساس برداشت‌های خود از آیات و روایات، پیشنهادهایی در این موضوع ارائه کرده‌اند. از این رو، استنباط و استخراج دیدگاه اسلام پیرامون کم و کیف جمعیت از آموزه‌های دینی، امری بایسته و ضروری است. هرچند ممکن است بیان صریح و قاطع نظریه دینی در این باره، چندان راحت نباشد، اما توجه عمیق به ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی موضوع برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در نظام اسلامی امری ضروری است. به هر حال، در منابع دینی و در آیات و روایات فراوانی به موضوع جمعیت پرداخته شده است. این دسته آیات و یا روایات را می‌توان در چند مقوله دسته‌بندی کرد. از این رو، در اینجا به برخی از آنها اشاره و در پایان به بررسی مجموعه ادله خواهیم پرداخت:

۱. توصیه به ازدواج و فرزندآوری

در آیات قرآن و روایات توصیه و تشویق‌های بسیاری نسبت به ازدواج شده و از تجرد نهی شده است (صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵۷). طبیعی است که لازمه توصیه و تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده و نهی از تجرد، با عنایت به فلسفه خلقت، زادولد، تولید و تکثیر نسل است. از این رو، در برخی روایات، به ازدواج با هدف تکثیر نسل توصیه شده است (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳). قرآن کریم می‌فرماید: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (شورا: ۱۱)؛ پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و برای چهارپایان نیز جفت‌هایی. شما را به این وسیله (به وسیله همسران) تکثیر می‌کند. افزون بر این، در اسلام فزونی جمعیت مسلمانان، یک معیار مهم در دنیا و آخرت مطرح شده است. به گونه‌ای که فرزندان در دنیا زینت شمرده شده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶)؛ و یا فرزندان به عنوان امداد، یار و مددکار انسان معرفی شده‌اند. آنجایی که قرآن می‌فرماید: «وَيُؤْمِدُّكُمْ بِأَمْوَالِهِمْ وَبَنِينَ» (نوح: ۱۲)؛ «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (اسراء: ۶؛ حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۵۶). همچنین، فرزندان یادگار و جانشین پدر و مادر در دنیا (همان، ص ۳۵۷) و قدرت و مایه غلبه مؤمنان (جابری قمی، ۱۳۶۹ق، ص ۵۹-۶۰) و در آخرت نیز کثرت فرزند مایه مباهات پیامبر اسلام ﷺ (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۳) نعمتی از نعمت‌های الهی و گلی از گل‌های بهشت (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶ ص ۳، ح ۱۰)؛ موجب آمرزش و نیکبختی والدین در حیات اخروی (صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۰۹) معرفی شده است.

امام باقر علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرمایند: «چه چیزی انسان مؤمن را از این باز می‌دارد که همسری بگیرد تا شاید خداوند فرزندی برای او روزی کند که زمین را با گفتن "لا اله الا الله" آکنده سازد» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۱،

ص ۳). در روایتی پیامبر اکرم ﷺ، افزون بر توصیه به ازدواج، می‌فرمایند این امر باید به زادوولد منجر شود: «ازدواج کنید؛ همانا ازدواج جزء سنت من است و در طلب فرزند باشید؛ زیرا من در فردای قیامت به فزونی جمعیت شما بر امت‌ها تفاخر می‌کنم» (صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۱۴). در این روایت، این توصیه، به روشنی گویای جایگاه و منزلت ازدواج در اسلام و اهتمام به فرزندآوری در جامعه اسلامی است.

از این رو، برخی محققان، اساساً هدف از ازدواج را تولیدمثل و بقای نسل برشمرده‌اند. برخی معتقدند: با توجه به وضعیت بیولوژیک دو جنس زن و مرد، هدف ازدواج جز تولیدمثل و باقی گذاشتن نوع انسان منظور نبوده است. سایر احکام مربوط به روابط زن و مرد از قبیل احکام رعایت عفت، زناشویی، اختصاص داشتن زوجه به زوج، احکام طلاق، عدّه، اولاد، ارث و... هم بر اساس همین واقعیت وضع شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۷۷).

۲. تشویق به ازدواج با زنان ولود

افزون بر توصیه به ازدواج در اسلام، سفارش مؤکد بر ازدواج با زنان ولود شده است؛ یعنی زنان بسیار زایا و فرزندآور. در منابع روایی به مؤمنان توصیه شده است که با زنان «ولود» و بسیار زایا ازدواج کنند. این امر تأکیدی بر تقویت فلسفه ازدواج و تداوم نسل بشر است. مواردی چند از این دسته روایات عبارتند از:

۱. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «ان خیر نسائکم الولود الودود العفیفه فی اهلها، الذلیله مع بعلها» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۳؛ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۳۲۸، ح ۳)؛ به درستی که بهترین زنان شما کسانی هستند که بچه‌زاه، مهربان، پاکدامن، عزیز و گرامی نزد خانواده و خاشع و فروتن نزد شوهرش باشند.

۲. مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا من به زنی برخورددم که دارای خاندان و مقام و مال است، اما نمی‌زاید. آیا با او ازدواج کنم؟ پیامبر او را نهی کردند. پس دیگری آمد و مطلب گذشته را تکرار کرد و پیامبر او را نهی کرد. سپس، شخص سومی آمد و همان مطلب را گفت و پیامبر فرمودند: با زنی مهربان و فرزندآور ازدواج کنید که من به فزونی شما بر امم مباهات می‌کنم (البیهی، بی‌تا، ص ۸۱).

۳. امام صادق ؑ در همین زمینه می‌فرمایند: مردی خدمت رسول خدا رسید و گفت: ای پیامبر خدا، به درستی که من دختر عمویی دارم که از جمال، زیبایی و دین او راضی هستم. منتهی او نازاست. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند با او ازدواج نکن! به درستی که یوسف بن یعقوب ؑ برادرش را ملاقات کرد. به او گفت: ای برادرم! بعد از من تو چگونه توانستی زن بگیری؟ پاسخ داد: به درستی پدرم مرا به این کار امر نموده، گفت: اگر می‌توانی فرزندان داشته باشی که زمین را با ذکر تسبیح پروردگار متعال سنگین کنند، این کار را انجام بده! امام صادق ؑ فرمود: شخص دیگری نزد پیامبر ﷺ آمد و مثل مرد دیروزی ماجرا و درخواست خودش را مطرح کرد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: با سیاه زشت‌روی بچه‌آور ازدواج کن! به درستی که من روز قیامت به فزونی شما بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۳؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۵۹۳).

همچنین، امام باقر^ع از قول رسول خدا^ص فرمود: «با دختر باکره‌ای که فرزند زیاد می‌آورد، ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت، بر امت‌ها مباحثات می‌کنم» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۳؛ جابری قمی، ۱۳۶۹ق، ص ۵۸).

۴. رسول خدا^ص فرمودند: «زیبای عقیم را بگذارید و با سیاه بچه‌آور ازدواج کنید که من روز رستاخیر به فزونی شما بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۴).

مجموعه این دست روایات، حکایت از این دارد که در اسلام، یکی از فلسفه‌های اصلی ازدواج، زادوولد و تکثیر نسل بشر است و جمعیت مسلمانان فی‌نفسه و فزونی آن، ارزشمند و امری مطلوب است.

۳. تضمین رزق و روزی افراد

یکی از مبانی دینی، اعتقاد به خدای متعال به‌عنوان خالق و رازق هستی است؛ یعنی خدای هستی‌بخش، تنها خالق همه هستی است و همه هستی فعل اوست. به عبارت دیگر، یکی از لوازم توحید افعالی، توحید در رازقیت است؛ یعنی اعتقاد به اینکه تنها رازق حقیقی خداست. این باور از شئون باورمندی به مالکیت مطلق و ربوبیت مطلق خدا بر هستی است. اگر خدا مالک و صاحب تمام هستی است، جایی برای مالکیت دیگران باقی نمی‌ماند تا از آن به کسی چیزی ببخشند؛ زیرا روزی دادن مستلزم در دست داشتن روزی است. مخلوقات به این دلیل که هم در اصل وجود و هم در فعل خود، عین وابستگی و ربط به خدا هستند، روزی‌دهنده حقیقی نبوده و تنها نقش اسباب و وسایط را دارند (الله بداشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۴). قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرِزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (فاطر: ۳)؛ آیا خالقی غیر از خدا وجود دارد که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ این کریمه هم اشاره به توحید در خالقیت و هم توحید در رازقیت دارد (مصباح‌بزدی، ۱۳۷۳، ص ۵۶-۵۷). به عبارت دیگر، اگر کسی خالق حقیقی را خدا بداند، رازق حقیقی را نیز خدا خواهد دانست.

مراد از «رزق»، هر چیزی مانند خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها، پوشاک، مسکن، ازدواج، فرزند، علم، قدرت و... است که انسان برای ادامه حیاتش از آن استفاده می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۷۵). بنابراین، یک مؤمن معتقد هرگز نباید نگران رزق و روزی موجودات، جنبندگان و یا انسان‌ها باشد.

با این حال، یکی از شبهاتی که معمولاً امروزه جوانان به‌عنوان توجیهی برای تأخیر سن ازدواج و یا کم‌فرزندگی ارائه می‌کنند، مسائل و مشکلات اقتصادی است (فولادی، ۱۳۹۳). درحالی‌که در سبک زندگی اسلامی و در منابع دینی، هرگز مشکلات اقتصادی نباید مانعی برای فرزندآوری باشد؛ زیرا بر اساس آیات قرآن کریم، خدای متعال رزق و روزی آحاد بشر و همه موجودات و جنبندگان را تضمین کرده است؛ چرا که قرآن کریم درباره رزق و روزی بندگانش می‌فرماید: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ» (ذاریات: ۲۲ و ۲۳). رزق، امری آسمانی است که از عالم غیب به عالم شهود منتقل می‌شود و خداوند بر این مطلب قسم یاد کرده و آن را امری حتمی و ثابت می‌داند. علامه طباطبائی در ذیل دو آیه می‌نویسد:

از اینجا روشن می‌شود که رزق و مرزوق متلازم با یکدیگرند و از هم جداشدنی نیستند... پس معنا ندارد که مرزوقی باشد که در بقاء خود از رزقی استمداد جوید، ولی رزقی با آن مرزوق نباشد. و نه این فرض معنا دارد که رزقی وجود داشته باشد ولی مرزوقی نباشد. همچنین این فرض ممکن نیست که رزق مرزوقی از آنچه مورد حاجت او است زیادتر باشد، و نه این فرض ممکن است که مرزوقی بدون رزق بماند. پس رزق داخل در قضاء الهی است، و دخولش هم اولی و اصلی است، نه بالعرض و تبعی، و این معنای همین عبارت است که می‌گوییم: «رزق حق است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۷۶-۳۷۷).

این آیه و آنچه علامه طباطبائی در تفسیر حق بودن رزق آورده است، پرده از حقیقتی اصیل برداشته که می‌توان آن را به‌عنوان یک اصل کلی و راهبردی در مسئله جمعیت مورد توجه قرار داد و بر اساس آن به افزایش نسل اقدام کرد. اگر رزق انسان امری آسمانی و متصل به عالم شهود بوده و هیچ مرزوقی بدون رزق تصور نداشته باشد، دیگر نباید نسبت به تأمین رزق و روزی فرزندان که متولد می‌شوند نگران بود؛ زیرا هر فرزندی رزق خود را به همراه خود می‌آورد. اگر رزق و مرزوق متلازم و غیرقابل انفکاک از یکدیگر بوده و تحت مشیت و قضای حتمی الهی قرار گرفته باشند، دیگر هیچ مانعی نمی‌تواند جلوی تحقق مشیت الهی را گرفته و رزق فرزندان جدید را قطع کند (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۷۸). به همین دلیل، خدای متعال می‌فرماید: «مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات: ۵۷ و ۵۸)؛ خداوند نه تنها نیازی به رزق انسان‌ها ندارد، بلکه همواره در حال روزی دادن به موجودات می‌باشد.

از این رو، با مرور آیات قرآن کریم باید گفت: هیچ خانواده و یا جامعه‌ای در برنامه‌ریزی برای افزایش اولاد و جمعیت خود، نباید نسبت به تأمین روزی آنها نگران باشد؛ زیرا مقتضای رازقیت الهی نسبت به موجودات، این است که آنها را بدون روزی رها نکرده و رازقیت او محدود به تعداد خاصی از انسان‌ها نباشد.

در همین زمینه، قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود: ۶)؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست؛ او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است.

بنابراین، معارف ناب دینی و آموزه‌های توحیدی، نگاه بدبینانه انسان به مسئله را تغییر داده، مجال هرگونه نگرانی را نسبت به تأمین رزق خانواده برطرف کرده و خدا را روزی‌رسان خانواده می‌داند. به همین دلیل، می‌فرماید: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامَ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد، خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است. در منطق قرآن و در این کریمه شریفه، نه تنها مشکل مالی، معیشتی و فقر نباید مانع ازدواج شود، بلکه ازدواج، عاملی است برای از بین بردن فقر، تهی دستی!

از سوی دیگر، قرآن کریم، با قاطعیت تمام روزی همه انسان‌ها و جانداران را تضمین کرده، می‌فرماید: «وَمَا كَأَيُّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت: ۶۰)؛ و چه بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند. خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد و اوست شنوای دانا.

در واری این آیات و سایر آیات قرآن کریم، خدای متعال روزی انسان‌ها را همگام با خلقت آسمان و زمین و دریا و نهرها، در آنها قرار داده است (ر.ک: ابراهیم: ۳۲؛ ق: ۹؛ غافر: ۱۳). خداوند از انسان‌ها می‌خواهد که روزی را از خدا طلب کنند (ر.ک: عنکبوت: ۱۷؛ ذاریات: ۵۸). از این رو، با خلقت انسان‌ها، خدای متعال روزی آنان را نیز تأمین، بلکه تضمین کرده است.

در برخی روایات ترس از فقر و روزی فرزندان، بدگمانی نسبت به خدای متعال شمرده شده است: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ التَّوْبِيحَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ آسَأَ بِاللَّهِ الظَّنَّ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۳۰، ح ۱)؛ هر کس به خاطر ترس از فقر ازدواج نکند، در واقع به خدا بدگمان شده است. منشأ این بدگمانی این است که آیا می‌توان تصور کرد خدا پس از اینکه انسان را تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده کرده، بر وسعت روزی او وعده داده و مشیت و مصلحت او هم بر این وسعت رزق تعلق گرفته باشد، آنگاه خلف وعده کرده و انسان را بدون روزی واگذارد؟ آیا می‌توان تصور کرد ترس از فقری که مانع ازدواج افراد می‌شده، تنها منحصر به ترس از تأمین نیازهای زن و شوهر بوده و مسئله معاش فرزندان از این ترس مستثنا بوده و تضمین خدا بر روزی خانواده نیز، منحصر به زن و شوهر باشد؟ (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۸۷). بکر ابن صالح می‌گوید: به حضرت ابی‌الحسن علیه السلام نامه نوشتم و یادآور شدم که مدت پنج سال است که از فرزنددار شدن جلوگیری می‌کنم. دلیلش هم این است که همسرم به خاطر مشکلات اقتصادی، خود را در تربیت فرزندان ناتوان و از آن اکره دارد. نظر شما چیست؟ آن حضرت، در جوابم نوشتند: «اطلب الولد فان الله يرزقهم»؛ اولاددار شوید که خداوند روزی آنان را می‌رساند (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۳، ص ۲۱۸).

بنابراین، از معارف دینی و قرآنی به دست می‌آید که خداوند حکیم، یکی از حکمت‌های ازدواج را تکثیر نسل انسان قرار داده است. لازمه تحقق هدف حکیمانه او، این است که نیازهای اساسی طبیعی و غیرطبیعی او را فراهم کند. اگر خداوند انسان را بیافریند اما رزق او را مهمل گذارد، کاری عبث انجام داده و ساحت خدا از فعل عبث منزه است. خداوند که رازقیتش ریشه در قدرت او دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۹۰)، روزی فرزندان حاصل از ازدواج را فراهم می‌کند. از این رو، هیچ‌کس حق ندارد نسبت به رازقیت خدا بدگمان شده و به خاطر ترس از فقر، از فرزنددار شدن خودداری کند؛ زیرا ترس از فقر انسان را در دام شیطان قرار داده و موجب می‌شود همچون اعراب جاهلی به کارهای نامشروع همچون فرزندکشی دست زند. بنابراین، اگر جامعه‌ای در مسیر توحید و بندگی خدا و بازگشت به او باشند، وجود فرزندان سبب پیشرفت و ترقی جامعه بوده و فراوانی جمعیت نشانه‌ای از لطف خدا به آنها به حساب می‌آید.

۴. توبیح فرزندکشی

یک سنت بسیار زشت و ناپسند در عصر نزول و متأسفانه امروزه هم در بسیاری از جوامع شاهد آن هستیم، فرزندکشی، سقط جنین، و جلوگیری از بارداری، به بهانه‌های مختلف است. اسلام به شدت با این تفکر مخالف است و سقط جنین، فرزندکشی و جلوگیری از بارداری را نکوهش کرده است. خدای متعال، سنت جاهلی قتل اولاد به خاطر ترس از فقر را به شدت محکوم کرده و از آن نهی کرده و روزی همه را تضمین می‌کند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ» (انعام: ۱۵۱)؛ این آیه، ترس از فقر را عامل قتل اولاد می‌داند. درحالی‌که از دیدگاه اسلام، ترس از فقر و ناداری، نشانه‌ای از ضعف ایمان و شرک عملی است.

در روایات متعدد نیز فرزندکشی و امتناع از فرزنددار شدن، به دلیل ترس از فقر، مورد نکوهش قرار گرفته است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲). این امر دلیل روشنی بر تقبیح و نکوهش سقط جنین و یا جلوگیری از بارداری است. روایاتی نیز به صراحت بیان می‌کنند که ترس از رسیدن رزق و روزی، نباید مانع از ازدواج و فرزندآوری شود (همان)؛ زیرا خداوند روزی همگان را ضمانت کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَأَيُّنَ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت: ۶۰)؛ و چه بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند، خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد و اوست شنوای دانا.

همچنین می‌فرماید: «وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً» (اسراء: ۳۱) و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است. یا در جای دیگر، به همین مضمون می‌فرماید: «... وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاكُمْ...» (انعام: ۱۵۱)؛ ... و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید، ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم... .

به نظر می‌رسد، در مجموع می‌توان گفت: فرزند نعمت است و داشتن فرزندان زیاد، و ازدیاد نسل مورد تأکید دین اسلام است. از این رو، از فرزندکشی و یا سقط جنین و حتی جلوگیری از فرزنددار شدن، به بهانه ترس از روزی در اسلام به شدت نهی شده است. به ویژه این آیه قرآنی که به پیامبر اکرم ﷺ تأکید دارد که به مؤمنان بگوید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ... وَ لَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ...» (ممتحنه: ۱۲)؛ ... و فرزندان خود را نکشند.

۵. تشویق به افزایش نسل مسلمانان

علاوه بر آنچه گذشت، آیات و روایات زیادی به تحریص و تشویق مسلمانان به ازدیاد نسل و توالد و تناسل پرداخته‌اند. چند نمونه از آنها در اینجا مطرح می‌شود:

۱. قرآن کریم در خصوص ازدیاد جمعیت مسلمانان و فزونی جمعیت آنان بر دشمنان، می‌فرماید: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (اسراء: ۶)؛ پس شما را بر آنها چیره می‌کنیم و اموال و فرزندانتان را افزون خواهیم کرد و نفرت شما را بیش از دشمن قرار می‌دهیم.

۲. رسول خدا ﷺ فرمودند: «تَاكُحُوا تَكْتَرُوا فَآتَىٰ إِبَاهِي بِكُمْ الْاَمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۳، ص ۲۱۸)؛ ازدواج کنید که زیاد می‌شوید؛ به راستی من روز قیامت به شما بر سایر امت‌های مباحات می‌کنم. حتی به کودکان سقط شده. همچنین، آن حضرت فرمودند: «إِيهَا النَّاسُ تَزَوَّجُوا فَآتَىٰ مَكَاثِرُ بِكُمْ الْاَمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (نوری، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۱۵۱)؛ ای مردم ازدواج کنید که من به فزونی شما در روز قیامت به امت‌های دیگر افتخار می‌کنم. شاید به همین مضمون، روایتی از امام صادق ﷺ نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «با دوشیزگان ازدواج کنید... (و فرزند آورید) آیا نمی‌دانید که من روز قیامت به شما مسلمانان، حتی به سقط شدگانتان بر سایر امت‌ها مباحات می‌کنم» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸۳).

۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «وَالْمَوْلُودُ فِي أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» (همان)؛ یک نوزاد در امت من نزد من محبوب‌تر است از آنکه خورشید بر آن بتابد.

۴. روایاتی هم توصیه کرده که زیاد فرزند آورید: پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «زیاد فرزند آورید تا فردا روز (قیامت)، به زیادی شما بر امت‌های دیگر افتخار کنم» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، ص ۳۲۸، ح ۳).

بررسی و ارزیابی

بنا بر آنچه گذشت، و نتیجه طبیعی محورهای فوق در اسلام در عرصه ازدواج، از جمله توصیه به ازدواج و فرزندآوری؛ تشویق به ازدواج با زنان ولود؛ تضمین رزق و روزی افراد؛ توییح فرزندکشی به بهانه ترس از روزی فرزندان؛ و تشویق به افزایش نسل مسلمانان، افزایش کمی و البته کیفی جمعیت در جامعه اسلامی می‌باشد.

با این حال، در این عرصه، شبهاتی مطرح شده است، مبنی بر اینکه با توجه به محتوای برخی روایات دیگر، برخی محققان به مخالفت با افزایش جمعیت پرداخته، معتقدند: نمی‌توان از منظر اسلام، با اطمینان حکم به افزایش کمی جمعیت داد. در اینجا، به طرح و برسنجی این دسته روایات و شبهات مطرح در افزایش جمعیت می‌پردازیم:

۱. کمی عائله، موجب راحتی است: امام صادق ع از قول پدر بزرگوارشان و ایشان از قول رسول خدا ص فرمود: «قَلِيلُ الْعِيَالِ أَحَدًا لِيَسَارِينُ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۴، ص ۷۱)؛ کمی عائله یکی از دو راحتی است. همچنین، امیرالمؤمنین ع می‌فرماید: «الْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ وَقَلِيلُ الْعِيَالِ أَحَدًا لِيَسَارِينُ، التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ، مَا عَالَ أَمْرًا يُقْتَصَدُ» (همان)؛ فقر، موت اکبر است و کمی عیال یکی از دو راحتی است و اندازه نگه داشتن، نصف معیشت است و کسی که میانه‌روی داشته باشد، نیازمند نخواهد شد.

اما یکی از اندیشمندان، در تفسیر این‌گونه روایات چنین استشهاد آورده‌اند:

«عیال»، به معنی نان‌خور و در تحت عیلوله و مخارج انسان در آمدن است. ممکن است فرزندی که نان‌خور انسان نباشد و یا عائله‌ای که فرزند نیستند، مانند خادم، میهمانان و... یا برخی اقوام و محارم که تحت تکفل انسان زندگی می‌کنند. بنابراین، نسبت بین عیال و فرزندان، عموم خصوص من وجه است. این امر منافاتی با کثرت فرزندان ندارد؛ زیرا این‌گونه روایات توصیه می‌کند که هر چه انسان بتواند، افراد تحت عیلوله و کفالت خویش را تقلیل دهد، امری مطلوب است. ثانیاً، در تعبیر «أحد الیسارین»، در تریغی به تقلیل عیال نیست، بلکه اشاره به این مطلب است که توانگری برای انسان از دو راه تحصیل می‌شود: یکی، از راه کسب مال و دیگری، محدود نمودن عائله. انسان می‌تواند هر کدام را خواست، انتخاب کند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۳۹؛ چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۳۵۳).

با این حال، نمی‌توان معنای این روایات را با آموزه‌های ارزشمندی زادآوری زیاد ناسازگار دانست؛ زیرا روایاتی که بر ارزشمندی زادآوری دلالت دارند، از نظر سندی از اعتبار بالایی برخوردارند و این روایات توانایی معارضه با آنها را ندارند (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۳۵۴). افزون‌براین، همان‌طور که گذشت، قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «هیچ جنبه‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او به عهده خداوند است» (هود: ۶). برخی محققان نیز با استناد

به رازقیت خداوند و تأمین روزی همه موجودات از سوی او، هراس از فقر و تنگدستی را امری بی‌معنا دانسته و این تنظیم خانواده (کنترل جمعیت) را با اعتقاد به رزاقیت خداوند منافی می‌دانند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۳۷).
 بنابراین، نباید در جامعه اسلامی، مؤمنان از ترس روزی فرزندان و یا فقر و کمبود امکانات، توالد و تناسل را محدود کنند؛ زیرا این امر در قرآن کریم و اسلام، خودداری از ازدواج به دلیل ترس از فقر نکوهش شده است: «به کسانی که همسر ندارند و نیز به غلامان و کنیزان خود، همسر دهید، اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایسگر داناست» (نور: ۳۲). بر همین نکته نیز پیامبر اکرم ﷺ تأکید دارند: «بی‌همسران خود را تزویج نمایید؛ زیرا خداوند اخلاق آنان را نیکو، روزی آنان را وسیع و به جوانمردی آنان خواهد افزود» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۴، ص ۲۲۲).

بنابراین، قطعاً مراد روایات مربوط به «کمی عائله، موجب راحتی است»، باید چیز دیگری باشد و عائله اعم از فرزندان است. افزون‌براین که مدلول آیات و روایات فراوانی بر عکس این برداشت دلالت دارند.

۲. غفلت و بازماندن از امور معنوی، نتیجه داشتن فرزندان و اموال زیاد؛ شبهه دوم در این زمینه، این است که از برخی آیات و روایات به دست می‌آید که اموال و فرزندان، موجب می‌شود انسان از امور معنوی بازمانده، از یاد خدا غافل شود. در این صورت، کسب اموال و داشتن موالید، رجحان نخواهد بود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولاد شما، شما را از یاد خداوند، به خود مشغول نسازد. هر کس چنین کند، زیانکار است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز در این زمینه می‌فرمایند: «إِنَّ مَاقِلًا وَ كَفَى خَيْرٌ مَّا كَثُرُوا إِلَهِي اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْكِفَافَ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۲، ص ۶۱، ح ۴)؛ نعمتی که اندک؛ اما به قدر کفایت است، بهتر از نعمتی است که فراوان است، اما انسان را غافل می‌سازد. خداوند با محمد و آل محمد به قدر کفایت عنایت فرما. از این روایت، که از ابن مرفوعه/ابراهیم بن محمد نوفلی نقل شده، استفاده می‌شود که مال و فرزندان زیاد، به دلیل اینکه غالباً انسان را از یاد خدا غافل می‌سازد، مطلوب نیست. در این بیان، اولاد زیاد و اداره امور آنان برای غالب مردم، موجب اشتغال فکری، غفلت از یاد خدا و یا بازماندن از انجام پاره‌ای عبادات و اعمال صالحه است. در نتیجه مذموم می‌باشد.

در پاسخ به این شبهه باید گفت: اولاً، با این استدلال و برای غافل نشدن از امور معنوی و یاد خدا، بهترین گزینه این است که انسان اصلاً نباید نه مالی کسب کند و نه همسری انتخاب و نه اولادی داشته باشد! درحالی که چنین چیزی بر خلاف فلسفه آفرینش انسان و ادامه حیات او و تکثیر نسل می‌باشد. پس باید مقصود این کریمه و روایت، غیر از این باشد. به همین دلیل، مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه «لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» می‌فرماید:

منظور از الهاء اموال و اولاد از ذکر خدا این است که اشتغال به مال و اولاد، انسان را از یاد خدا غافل کند؛ چون خاصیت زینت حیات دنیا همین است که آدمی را از توجه به خدای تعالی باز می‌دارد. همچنان که فرمود: «الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶)... اشتغال به این زینت، دل را پر می‌کند و جایی برای ذکر خدا و یاد او باقی

نمی‌گذارد... و علت اینکه در این آیه شریفه مال و اولاد را نهی کرده و فرموده مال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکنند، درحالی که باید فرموده باشد: شما سرگرم مال و اولاد نشوید، این است که اشاره کند به این مطلب که طبع مال و اولاد این است که انسان را از یاد خدا غافل می‌سازد. پس مؤمنان نباید به آنها دل ببندند که نهی در آیه، کنایه‌ای است که از تصریح مؤکدتر است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ح ۱۹، ص ۵۸۶).

بنابراین، آنچه در قرآن و منابع روایی منبع شده، دلبستگی، دلدادگی و سرگرمی شدید نسبت به مال و فرزندان است. به گونه‌ای که وابستگی به آنها، مانع موجب غفلت از یاد خدا و پرداختن به امور معنوی باشد؛ زیرا حیات انسان دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است. انسان باید برای رسیدن به سعادت و کمال نهایی، تا حد امکان به همه ابعاد روحی و جسمی خویش توجه نموده، با انجام تکالیف، وظایف، واجبات و مستحبات فردی و اجتماعی خود به این هدف از خلقت نائل آید. از آنجایی که اموال و فرزندان به این دلیل که دو نعمت دنیوی و از زینت‌های جذاب زندگی دنیاست، ممکن است آدمی را از آن مسیر اصلی منحرف سازد. از این رو، در منابع دینی، مؤمنان از دلبستگی به آنها منع شده‌اند. بنابراین، دلبستگی و دلدادگی به هر چیزی، اعم از اموال و اولاد موجب غفلت از یاد خدا و امور معنوی و مذموم خواهد بود.

در تحلیل این آیات آمده است:

در نگاه اسلام، مال و فرزند و همه زیبایی‌های دنیا به خودی خود، اموری ناپسند نیستند، بلکه آنچه ناخوشایند است، دلبستگی غفلت‌زا به آنها است؛ زیرا نگاه و علاقه مستقل به این گونه امور، زمینه را برای لغزش و گناه فراهم می‌آورد. از این رو، باید میان تعلق خاطر غفلت‌زا نداشتن به مال و فرزند و ارزشمندی آنها تفاوت گذاشت... این بدان معنا نیست که همیشه و همه‌جا و برای همه افراد، فرزند عامل غفلت است؛ زیرا با اندکی تلاش و صبر و حوصله می‌توان فرزندان را به گونه‌ای تربیت کرد که زیست مؤمنانه داشته باشند تا نه خود از یاد خدا غافل باشند و نه سبب‌ساز غفلت پدر و مادر از یاد خدا باشند (جراعی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۳۵۷).

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان گفت:

۱. اصل اولی و به‌عنوان یک قاعده کلی در متون دینی، فزونی جمعیت، امری پسندیده است. اسلام و حتی همه ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته در حد توان توصیه می‌کنند (کتابی، ۱۳۶۴، ص ۷۹). از این رو، صرف کمیت و کثرت عددی در ایجاد اقتدار و عظمت برای مسلمانان، در مقابل پیروان سایر ادیان مؤثر است؛ چرا که تا دهه‌های اخیر، رهبران سیاسی و عامه مردم همواره جمعیت زیاد را نشانه ثروت و قدرت می‌دانستند. اما تعبیراتی از قبیل «لأباهی بکم الأمم غداً»، نشان می‌دهد که آنچه مورد مباهات پیامبر اسلام ﷺ است، فزونی مسلمانان در جهان آخرت است. اما طبیعی است که توجه به مقتضیات زمان، مکان، شرایط اقلیمی، میزان جمعیت اقتضا دارد که با برنامه‌ریزی، تدبیر و مهیاساختن زیرساخت‌های لازم، جمعیت را با توجه به امکانات تکثیر و متعادل نمود.
۲. اسلام گرچه به تکثیر موالید توصیه و ترغیب نموده است، اما شواهد فراوانی نشان می‌دهد که تنها تکثیر

کمی جمعیت در اسلام هدف نیست. فزونی کمی و کیفی، هر دو باید مورد لحاظ قرار گیرد. به عبارت دیگر، آنچه پیامبر ﷺ به آن توصیه نمودند، تکثیر فرزندان شایسته و نیکو است. بنابراین، توجه به کثرت عددی به معنای عدم جواز اعمال هرگونه کنترل و محدودیت نیست. به هر حال، در سیاست افزایش جمعیت، توجه به تربیت، پرورش و کیفیت نیروی انسانی و برخورداری جامعه از افراد با ایمان، مجرب و کیفی نیز مهم و ضروری است.

۳. کنترل جمعیت، بدون توجه به مقتضیات و شرایط هر جامعه، با فلسفه ازدواج در تنافی و تعارض است و اینکه تولیدمثل و داشتن فرزند زیاد در اسلام ذاتاً مطلوب است (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۳-۱۷۶). کمبودها و مشکلات اقتصادی، ناشی از ناتوانی دولت‌ها در برنامه‌ریزی صحیح می‌باشد؛ زیرا امکانات به اندازه نیاز وجود دارد و خداوند در قرآن کسانی را که از ترس کمبود روزی و یا فقر، اقدام به فرزندکشی می‌کنند، سرزنش می‌کند. از این رو، ضرورت تکثیر نسل به عنوان اصل ضروری در اسلام مطرح است (نوری همدانی، ۱۳۸۲، ص ۲۴-۵۱؛ خرازی، ۱۳۷۹، ص ۴۱-۶۹). به نظر می‌رسد، عمده کسانی که مخالف افزایش جمعیت هستند، عمدتاً بر کمبود مواد غذایی در جهان و فقر ناشی از ازدیاد جمعیت و اینکه هرچند جمعیت زیاد ممکن است در مجموع مفید و مناسب باشد، اما شرایط زمانی و مکانی و عوامل تربیتی و رشد جمعیت با تبعات آن، در مجموع موجب اختلال در تأمین معاش و کاستی در نیل به کمال و سعادت می‌دانند. به همین دلیل، مشکلات معیشتی، والدین را در تأمین معاش و نیازهای فرزندان، و نیز تربیت صحیح آنان با مشکلاتی مواجه ساخته است. این امور زمینه را برای اقدامات پیشگیرانه کنترل جمعیت ضروری می‌سازد (فولادی، ۱۳۹۰ الف، ص ۱۵۳-۱۸۰؛ همو، ۱۳۹۰ ب، ص ۱۴۵-۱۷۲). اما به نظر می‌رسد، با عنایت به مجموع آنچه گذشت و تضمین روزی همهٔ جنبندگان از سوی خدای متعال، این ترس بیهوده است و با مدیریت و مهندسی مناسب، می‌توان همهٔ نیازهای بشر را برآورده ساخت. هر چند توجه به اقتضائات زمانی و مکانی هر جامعه، در مهندسی و تدبیر امور مربوط به جمعیت هم «گاهی» ضروری خواهد بود.

۴. در سیاستگذاری برای افزایش و یا کاهش جمعیت، باید همه ابعاد و جوانب مسئله را در سطح خرد و کلان در نظر گرفت. معایب و مزایای پرجمعیت و یا کم‌جمعیت بودن جامعه، باید عالمانه با توجه به جمیع جهات بررسی و به طور صحیح آسیب‌شناسی شود؛ زیرا همان‌گونه که جمعیت زیاد و بی‌حساب و کتاب و بدون آماده‌سازی زیرساخت‌های لازم برای آن، ممکن است دشواری‌ها و محدودیت‌هایی را به وجود آورد، کم‌جمعیتی هم پیامدهای خاص خود را دارد، بلکه پیامد کم‌جمعیتی به مراتب بسیار بیشتر است؛ چرا که اقتدار نظام‌های سیاسی وابسته به جمعیت زیاد است که با تلاش و مدیریت و تدبیر مناسب، در کنار باور به ضمانت خدای متعال برای تأمین معاش موجودات و انسان‌ها، جای نگرانی از این جهت وجود نخواهد داشت.

۵. این مسئله که جامعه ما با مشکلاتی مواجه می‌باشد، غیرقابل انکار است. اما بسیاری از آثار و پیامدهایی که در جامعه ما در ارتباط با فزونی جمعیت مطرح شده‌اند، ارتباط بسیار اندکی با جمعیت دارد، بلکه بیشتر ناشی از عدم برنامه‌ریزی صحیح و ناکارآمدی دولت‌ها و عدم مدیریت صحیح منابع، پیامدهای صنعتی شدن، و تأثیرپذیری از

سبک زندگی غربی و مدرنیته و... است. افزون بر اینکه، جمعیت جوان جامعه ما، نه تنها یک تهدید که فرصتی طلایی است که با به کارگیری درست آن، موجب افزایش نسبت جمعیت فعال به جمعیت غیرفعال شده، امکان رشد اقتصادی و تأثیر مثبت جمعیت بر توسعه جامعه اسلامی را فراهم خواهد آورد. به عبارت دیگر، وجود جمعیت بالقوه زیاد و کیفی، بسترساز کار، تلاش، رونق تولید و ایجاد اشتغال و نیز تأمین بازار مصرف کالاها و تولیدی است.

۶. در زمینه افزایش و یا کاهش باروری و جمعیت یک کشور، بی تردید توجه به ضرورت‌ها و شرایط ویژه اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی کشور ایجاب می‌کند که حکومت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی را در توسعه، پیشرفت کشور و بهره‌گیری از همه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی و حتی خارجی برای تأمین نیازهای اساسی جامعه به کار گیرند. در خصوص جامعه ایران، بنابر تأکید حضرت امام و رهبر فرزانه انقلاب، جمعیت مناسب برای جامعه ایران دست کم بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون می‌باشد. اما اتخاذ کنترل جمعیت و یا پیروی از سیاست‌های جهانی و توصیه و ترغیب مداوم و هنجارسازی نسبت به داشتن فرزند کم، این خطر را به دنبال دارد که کشور را در آینده با کاهش شدید باروری و در نتیجه، رشد منفی جمعیت روبرو سازد. از این رو، در نظام اسلامی این سیاست‌ها باید برگرفته از رویکردهای بومی و آموزه‌های دینی، موقعیت جغرافیایی نظام اسلامی، امکانات، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نیروی‌های جوان و خلاق جامعه و امکانات خدادادی منابع طبیعی و اکولوژیکی اتخاذ شود.

۷. افزون بر این، در سطح خرد نیز باید همه ابعاد و جوانب موضوع، معایب و مزایای پر جمعیت بودن خانواده را مد نظر قرار داد و آن را آسیب‌شناسی نمود؛ زیرا همان گونه که گاهی اوقات پر جمعیت بودن، ممکن است دشواری‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد کند، کم جمعیت بودن و اكتفا نمودن به یک یا دو فرزند نیز خانواده را از مزایا و امکاناتی محروم می‌کند. به عنوان نمونه، در خانواده‌های پر جمعیت، فرزندان مستقل‌تر بار می‌آیند، اعتماد به نفس بیشتری خواهند داشت، ریسک‌پذیرتر و بیشتر خطر می‌کنند و از عهده کارهای مشکل‌تر بهتر برمی‌آیند. درحالی که در خانواده‌های کم اولاد، فرزندان محافظه کارتر و وابسته‌ترند (رجبیان، ۱۳۸۶). این تفاوت به این علت است که در خانواده‌های پر جمعیت، پدر و مادر آزادی بیشتری به فرزندان می‌دهند و تجربه بیشتری کسب می‌کنند. فرهنگ فداکاری، گذشت و ایثار نیز در این خانواده‌ها بیشتر است. علاوه بر اینکه، در خانواده‌های پر جمعیت، غالباً بسیاری از زحمات و هزینه‌ها بین فرزندان سرشکن می‌شود. معمولاً فرزندان بزرگ‌تر، غالباً پدر و مادر را در انجام امور مربوط به فرزندان کوچک‌تر یاری می‌دهند. کودکان هم‌بازی یکدیگر بوده و همدیگر را سرگرم می‌کنند. درحالی که در خانواده‌های کوچک، پدر و مادر علاوه بر ایفای نقش مربوط به خود، ناچارند همبازی فرزندان باشند و اوقات قابل توجهی را برای سرگرم کردن کودک و انجام امور مختلف او صرف نمایند. علاوه بر اینکه، فرزندان از نظر تربیتی، دچار اختلالاتی خواهند شد. روان‌شناسان رشد معتقدند: رابطه هم‌شیر بودن یک تجربه اجتماعی مشخصاً متفاوت است و عملکردی متفاوت با رابطه همسالان در اجتماعی شدن کودکان دارد. آگاهی‌فزاینده‌ای در این باره وجود دارد که درک اجتماعی، رفتار جامعه‌پسند و رشد اخلاقی کودکان، تحت تأثیر روابط هم‌شیره‌ها و در زمینه‌ای از نظام خانواده و روابط والدین - کودک

قرار دارد (کامبل، ۲۰۰۶، ص ۷۲). با وجود اینکه مشکل ساز بودن تک‌فرزندها، در مقایسه با بچه‌های دارای خواهر یا برادر کاملاً ثابت شده است، همچنان تصویر ناهماهنگ و مبهمی از این افراد وجود دارد. در برخی تحقیقات، تک‌فرزندها به‌عنوان دارنده برخی ویژگی‌های نامطلوب مانند لوس بودن، خودگرایی، ناسازگاری، سمج بودن و ناپختگی توصیف می‌شوند (الیسن، ۲۰۰۱، ص ۷۲۹). این امر خود موجب نگرانی بسیاری از والدین تک‌فرزند می‌شود.

۸. افزون بر آنچه گذشت، و با توجه به ادله و شواهد موجود، سیاست کنترل جمعیت، سیاستی استعماری است (فولادی، ۱۳۹۰ الف، ص ۱۵۳-۱۸۰). پیروی مطلق و بدون چون و چرا و توجه به مقتضیات و زیرساخت‌های جامعه اسلامی، از سیاست‌های جهانی و توصیه و ترغیب مداوم و هنجارسازی نسبت به داشتن فرزند کم، و نفی مطلق افزایش جمعیت، خطر رشد منفی جمعیت و پیر شدن جمعیت را به دنبال دارد؛ پدیده‌ای که اکنون بسیاری از کشورهای غربی از آن رنج می‌برند. البته کم‌فرزند بودن خانواده‌ها در کشورهای غربی، عمدتاً حاصل و پیامد طبیعی صنعتی شدن و مدرنیته است، نه توصیه و برنامه‌ریزی دولتمردان.

۹. اما با توجه به واکاوی «جایگاه جمعیت در اسلام و پیامدهای کاهش آن در ایران»، جامعه اسلامی ما - علی‌رغم توصیه دین مبین اسلام بر فزونی کمی و کیفی جمعیت - با پدیده‌ای به نام کاهش باروری و رشد منفی و خاکستری شدن جمعیت مواجه می‌باشد که در صورت عدم اقدام مناسب و عاجل در آینده نزدیک، با مشکلات و پیامدهای بسیار خسارت‌باری مواجه خواهد شد. از این رو، با توجه به وضعیت موجود جامعه ما و رشد منفی جمعیت در کشور، چند صبا‌حی است که جامعه به سمت رویکرد فزونی جمعیت روی آورده، و افزایش جمعیت در جامعه اسلامی ایران، به‌عنوان یک سیاست راهبردی تلقی شده است. هرچند این سیاست، به درستی از سوی مسئولان اجرایی پشتیبانی نمی‌شود و حرکت آن به کندی صورت می‌گیرد. باید به این باور رسید که بسیاری از مشکلات موجود کشور، ناشی از توزیع نامناسب جمعیت و تراکم جمعیت در شهرها و توسعه بی‌رویه شهرها و عدم بهره‌برداری صحیح از منابع و امکانات خدادادی است. با برنامه‌ریزی صحیح و به‌کارگیری نیروهای جوان مولد در عرصه‌های گوناگون، می‌توان شاهد جامعه‌ای توسعه یافته با کمترین مشکلات بود.

منابع

- ابن ابویه، محمدبن علی (صدوق)، ۱۳۷۵، *الخصال*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی التابعه المدرسین.
- افلاطون، ۱۳۶۷، *جمهور*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی.
- البیهی، احمدبن لحسین بن علی، بی تا، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر.
- جابری قمی، محمدعلی، ۱۳۶۹ق، *جامع الاحادیث*، تهران، کتابفروشی اسلامییه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، *علی علیه مظهر اسمای حسنی الهی*، گردآورده سعید بندعلی، قم، اسراء.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۹۷، *بحران خاموشی؛ واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی اجتماعی کاهش باروری در ایران*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حراملی، محمدبن حسن، ۱۳۷۴، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی طهرانی، محمدحسین، ۱۴۲۵ق، *کاهش جمعیت، ضریبای سهمگین بر بیکر مسلمین*، چ دوم، مشهد، علامه طباطبائی.
- خرازی، سیدمحسن، ۱۳۷۹، «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی»، *فقه اهل بیت*، سال ششم، ش ۲۱، ص ۴۱-۶۹.
- رحیبان، زهره، ۱۳۸۶، «دیدگاه: کنترل مولید از دیدگاه اسلام»، *حوراء مرکز تحقیقات زنان*، ش ۲۴، ص ۱۶-۲۵.
- صادقی، رسول، ۱۳۸۸، *جمعیت و توسعه: ابعاد و چالش‌ها*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیت آسیا و اقیانوسیه.
- صادقی، مریم، ۱۳۸۳، «تنظیم خانواده»، *ندای صادق*، سال نهم، ش ۴۶، ص ۱۵۳-۱۷۶.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فولادی، محمد، ۱۳۹۰ الف، «تأملی در سیاست کنترل جمعیت: آثار و پیامدهای آن»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال سوم، ش ۱، ص ۱۵۳-۱۸۰.
- _____، ۱۳۹۰ ب، «بررسی و نقد نظریه‌ها و سیاست‌های جمعیتی: با تأکید بر سیاست جمعیتی اخیر ایران»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۱۴، ص ۱۴۵-۱۷۲.
- _____، ۱۳۹۳، «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج: با تأکید بر عوامل فرهنگی»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۲۰، ص ۷۷-۱۰۴.
- کتابی، احمد، ۱۳۶۴، *نظریات جمعیت، جمعیت‌شناسی*، تهران، اقبال.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۷، *فروع کافی*، ترجمه محمدحسین رحیمیان و همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- الله بداشتی، علی، ۱۳۹۰، *توحید و صفات الهی، درس‌نامه کلام تخصصی*، قم، دانشگاه قم.
- مجلسی، محمدباقر، بی تا، *بحار الانوار*، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۳، *توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام*، قم، شفق.
- موسوی، سیدمرتضی، ۱۳۹۷، *رزاقیت الهی و افزایش جمعیت: مبانی کلامی جمعیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نوری همدانی، حسین، «کنترل جمعیت»، *فقه اهل بیت*، سال نهم، ش ۳۳، ص ۲۴-۵۱.
- نوری، میرزاحسین، ۱۳۸۲، *مستدرک الواسط*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- Campbell, S.B, 2006, *Behavior Problems in Preschool Children*, Second Edition: Clinical and Developmental Issues, Guilford Press.
- Lisen, C.R, & Blanton, P.W, 2001, Experience of only children, *Journal of Individual Psychology*, v. 57 (2), p. 725-740.
- <http://wrc.ir/shop/home/2>.